



## خطبه‌های نماز جمعه تهران

27 دی / 1398

خطبه‌ی اوّل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوكل عليه و نصلّي و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير نعمته و نذير نقمته سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيّما بقيّة الله في الارضين و صلّ الله على ائمة المؤمنين و هداة المستضعفين و حماة المؤمنين.

همه‌ی برادران عزیز را و خودم را دعوت میکنم و توصیه میکنم به رعایت تقوای الهی. اگر نصرت الهی را میخواهیم در تقوا است؛ اگر توفیقات الهی را میخواهیم، هدایت الهی را میخواهیم در تقوا است؛ اگر فرج و گشایش در مسائل شخصی و اجتماعی را میخواهیم در تقوا است؛ همه باید کوشش کنیم که تقوای الهی را معیار کار خودمان قرار بدهیم. در نماز جمعه آنچه مهم است، توصیه‌ی به تقوا است؛ خود این حقیر بیشتر از شما محتاج این توصیه هستم و امیدواریم خدای متعال توفیق بدهد بتوانیم هر کدام به حدّ وسع خودمان تقوای الهی را رعایت کنیم.

یک آیه‌ی پُر مغز و پُر مضمونی - مثل بقیه‌ی آیات قرآن - در سوره‌ی ابراهیم هست. امروز بحث من پیرامون این آیه و آیات بعد از این آیه است. میفرماید که و لقد ارسلنا موسىٰ بئايتين اٰ ان اخرج قومك من الطّٰمّٰتِ اِلٰى التّٰوْر و ذكّرهم بايّام الله؛ (۱) توصیه میکند، دستور میدهد حضرت موسیٰ را که «ذکرهم بايّام الله». دو احتمال در معنای «ذکرهم بايّام الله» هست که در مقصودی که ما از این آیه داریم فرقی نمیکند. یک احتمال این است که منظور این است که ایّام الله را به یاد آنها بیاور؛ یک احتمال هم اینکه مقصود این است که به وسیله‌ی ایّام الله خدا را، دین را، قیامت را به یاد آنها بیاور. اهمّیت ایّام الله در اینجا معلوم میشود که موسیٰ پیامبر عظیم الشان الهی مأمور است که ایّام الله را به یاد مردم بیاورد. بعد میفرماید: اِنَّ فِى ذٰلِكَ لَآيٰتٍ لِّكُلِّ صَبّٰرٍ شٰكُورٍ. (۲) ایّام الله آیه‌اند، نشانه‌اند، دلیل راهنم. برای چه کسانی؟ برای کسانی که این دو صفت را دارند: صبارند و شکورند. صبار یعنی کسی که سر تا پا استقامت و صبر است، یکسره اهل صبر و استقامت، شکور یعنی آن کسی که نعمت را می‌شناسد و شکرگزاری میکند که حالا درباره‌ی این شکرگزاری من عرایضی خواهم کرد. بعد در آیه‌ی بعد میفرماید که حضرت موسیٰ این دستور را عمل کرد: و اذ قال موسىٰ لِقومه اذكروا نعمة الله عليكم اذ انجيتكم من اٰل فرعون؛ (۳) به یاد آنها آورد نجاتشان از دست فرعون را، فرعونیان را، از دست قدرت فائقه و غالب ستمگر را که چطور شما را نجات داد؛ این از ایّام الله است یکی از نمونه‌های ایّام الله این است؛ اذ انجيتكم من اٰل فرعون. پس این [روز] یکی از ایّام الله شد؛ آن وقتی که جوامع و انسانها و اقوام از دست قدرتهای ستمگر نجات پیدا میکنند. بعد دنباله‌ی این ندای عمومی پروردگار است، صدای بلند خدا است: و اذ تآذّن ربّکم، «تآذّن» یعنی با صدای بلند خدای متعال به همه اعلان میکند که لئن شکرتم لازیدنکم؛ اگر شکرگزاری کردید، ما آن نعمتی را که به شما دادیم این را روزبه‌روز افزایش خواهیم داد، زیاد



میکنیم؛ وَلَئِن كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ (۴) اما اگر کفران نعمت کردید، وظایف شکر را به جا نیاوردید، آن وقت آنجا عذاب الهی است، مشکلات فراوانی است که برای شما پیش خواهد آمد. بعد در آیهی بعد هم نتیجهی کلی از این مطالب را میفرماید که: وَقَالَ مُوسَىٰ اِنَّ تَكْفُرًا اَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا فَاِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ. (۵) این که ما میگوییم شکرگزار باشید، این که میگوییم مراقب نعمت خدا باشید، نعمت خدا را از یاد نبرید، این برای خود شما است والا خدای متعال بی نیاز است.

خب، ایام الله مهم است؛ بنده میخواهم دربارهی ایام الله صحبت کنم؛ برای چه کسانی؟ برای مردمی که صبارند و شکورند. صبارند یعنی یکپارچه اهل استقامت و صبرند، به اندک چیزی از میدان خارج نمیشوند، ایستادگی میکنند. شکورند، یعنی اولاً نعمت را میشناسند، ابعاد پنهان و آشکار نعمت را میبینند؛ ثانیاً قدرشناس نعمتند، یعنی ارزش این نعمت را، وزن این نعمت را، قیمت این نعمت را میدانند؛ ثالثاً بر اساس آن احساس مسئولیت میکنند، بر اساس این نعمتی که خدا داده، احساس مسئولیت میکنند؛ ملتی، جمعیتی، قومی که بی صبر نیستند، مسئولیت ناشناس نیستند. این آیات، آیات سورهی ابراهیم است، مکی است؛ یعنی در آن وقتی که مسلمانها در اوج مبارزات و ایستادگی و مقاومت در مقابل جریان کفر قرار داشته اند، در آن وقت این آیات نازل شده است، به آنها مژده میدهد، به مردم میگوید که بدانید که خدای متعال ایام اللهی دارد، آن ایام الله را به شما نصیب خواهد کرد؛ باید شما شکرگزار ایام الله باشید. اگر واکنش درست و شاکرانه نشان دادید از آنچه که خدای متعال به شما داده است، خدای متعال به شما پیروزیهای بیشتری را در آینده خواهد داد. همین چند نکته ای که در این آیهی شریفه وجود دارد، موضوع صحبت ما امروز در خطبهی اول است.

این دو هفته ای که بر ما گذشت، دو هفتهی پُرماجرا و استثنائی بود؛ ماجراهای تلخ، ماجراهای شیرین، حوادث درس آموز در این دو هفته برای ملت ایران پیش آمد. یوم الله یعنی چه؟ یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده میکند؛ آن روزی که دهها میلیون در ایران، و صدها هزار در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابانها آمدند و بزرگترین بدرقهی جهان را شکل دادند، این یکی از ایام الله است. آنچه اتفاق افتاد، کار هیچ عاملی جز دست قدرت خدا نمیتوانست باشد. آن روزی هم که موشکهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایگاه آمریکایی را در هم کوبید، آن روز هم یکی از ایام الله است. (۶) ما این دو روز را جزو ایام الله در همین چند روز گذشته، در همین دو هفتهی گذشته، در مقابل چشم خودمان ما ملت ایران مشاهده کردیم؛ اینها روزهای نقطهی عطف تاریخند، روزهای تاریخ سازند، روزهای عادی نیستند اینها. این که یک نیرویی، یک ملتی، این قدرت را دارد، این توان روحی را دارد که به یک قدرت متکبر زورگوی عالم این جور سیلی بزند، نشان دهندهی دست قدرت الهی است، پس آن روز جزو ایام الله است؛ روزها تمام میشوند، لکن تأثیرات این روزها در زندگی ملتها باقی میمانند؛ در روحیهی ملتها، در منش ملتها، در مسیر ملتها، آثاری که این روزها باقی میگذارند آثار ماندگار و بعضاً جاودانه است.

خب، حالا جامعهی ایرانی به نظر ما یک جامعهی صبار و شکور است؛ ملت ما ملت پُراستقامتی است و ملت شکرگزاری است. در طول این سالهای متمادی، ملت ایران همواره سپاسگزار الطاف الهی در طول این سالها بوده است. ما ملت صبار و شکور باید از این آیات درس بگیریم. گفتیم اولین مسئله این است که ابعاد مادی و معنوی این پدیده را شناسایی کنیم. من عرض میکنم پس از ۴۱ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، این جمعیت بی نظیر را کدام دست قدرتی به میدان آورد؟ این اشک و عشق و شور را چه کسی پدید آورد؟ کدام عاملی میتواندست یک چنین



معجزه‌ای را نشان بدهد جز دست قدرت الهی؟ آن کسانی که دست قدرت خدا را نمیتوانند در این حوادث ببینند و تحلیل‌های مادی در این مسائل میکنند، عقب میمانند. باید دست قدرت خدا را دید. بُعد معنوی و بسیار مهم این حادثه همین است که خدای متعال این کار را میکند. وقتی خدای متعال یک چنین حرکتی را در ملت به وجود می‌آورد، انسان باید احساس کند که اراده‌ی الهی بر پیروزی این ملت است. این نشان‌دهنده‌ی این است که اراده‌ی الهی بر این است که این ملت در این راه و در این خط حرکت کند و پیروز شود. نشان‌دهنده‌ی معنویات و باطن این ملت هم هست. این عشق و این وفا و این ایستادگی و در این بیعت بزرگ با خط امام، مردم با این حضورشان در میدان با خط امام بیعت کردند؛ بیعتی با این عظمت، آن هم بعد از گذشت بیش از سی سال از رحلت امام بزرگوار این جور با امام، مردم بیعت میکنند، این جور امام زنده است. چه شد که پس از تلاش امپراتوری خبری صهیونیسم در چند روز قبل از این حادثه و بعد از این حادثه، امپراتوری خبری صهیونیسم در همه‌ی دنیا سعی کردند سردار بزرگوار عزیز ما را متهم کنند به تروریست؛ خود رئیس‌جمهور آمریکا گفت، وزیر خارجه‌اش گفت، دستگاه‌های خبری صهیونیستی در همه‌ی دنیا تکرار کردند «تروریست، تروریست» - خدای متعال صفحه را درست بعکس آنچه که آنها میخواستند ترتیب داد؟ نه فقط در اینجا در ایران، در کشورهای مختلف مردم به روح این شهید بزرگ درود فرستادند و پرچم آمریکا و صهیونیست‌ها را آتش زدند. آیا دست خدا را بوضوح نمیشود دید؟ آیا «لا تحزن إن الله معنا» (۷) را که درباره‌ی پیغمبر، در نهایت شدت، در غار ثور تنها، بی‌کس، به همراهش میگوید «لا تحزن إن الله معنا» (۸) خدا با ما است؛ این را نشان نمیدهد؟ آیا این فرمایش حضرت موسی را به قوم بنی‌اسرائیل که ترسیده بودند میگفتند «إنا لمدركون» (۹) الان است که نیروهای فرعون بیایند ما را محاصره کنند و از بیخ و بن کار ما را تمام بکنند، حضرت موسی فرمود، «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِين»؛ (۱۰) آیا اینجا «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي» را انسان نمیشود ببیند؟ ملت ایران نمیتواند احساس کند که «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»، (۱۱) خدا با ما است؟ خدا دستهای قدرت خود را در این کشور، در این جامعه، در میان این ملت فعال کرده است. خود این شهادت بزرگ هم - اینکه حالا مربوط به تشییع بود - خود این شهادت هم یکی از آیات قدرت الهی است؛ رسوایی دولت آمریکا، دولت بی‌آبروی آمریکا، رسوایی این دولت را رقم زد؛ اینها کسی را که سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم بود - شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه، قوی‌ترین فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم در این منطقه است، به همین عنوان هم شناخته شده است - [ترور کردند]؛ کدام فرمانده دیگر قدرت داشت میتوانست کارهایی را که او انجام داد انجام بدهد؟ به یک منطقه‌ای که در محاصره‌ی ۳۶۰ درجه‌ای دشمن است، شهید سلیمانی با بالگرد وارد این منطقه میشود، در محاصره‌ی کامل دشمن جوانهای خوبی در آن منطقه هستند که دست‌تنها هستند، فرمانده‌ای ندارند، چشمشان که به حاج قاسم سلیمانی می‌افتد، جان پیدا میکنند، روحیه پیدا میکنند، انگیزه پیدا میکنند، محاصره را از بین میبرند و دشمن را متواری میکنند و فراری میکنند؛ چه کسی میتواند این کارها را انجام بدهد؟ فرمانده ضد تروریسم در کل منطقه قوی‌ترین و سرشناس‌ترین فرمانده، را ترور کردند. در میدان روبه‌روی جنگ با او مواجه نشدند، دولت آمریکا دزدانه و بزدلانه او را ترور کرد، خودشان هم اعتراف کردند؛ این [کار] مایه‌ی روسیاهی آمریکا شد؛ در این منطقه تا قبل از این حادثه، این جور کار مخصوص رژیم صهیونیستی بود که افراد را ترور کند، رهبر حماس را ترور کردند و گفتند ما ترور کردیم، رهبر جهاد را ترور کردند، گفتند ما ترور کردیم؛ ترور میکردند و میگفتند ما کردیم؛ آمریکایی‌ها آدم خیلی کشته‌اند؛ در عراق در افغانستان در جاهای دیگر هر چه توانسته‌اند، آدم کشته‌اند، ترور کرده‌اند منتها اعتراف نمیکردند که ترور کردیم؛ اینجا اعتراف کردند که ترور کردیم؛ اینجا رئیس‌جمهور آمریکا به زبان خودش [اعتراف میکند] خدای متعال میزند پشت گردن افراد که خودشان اعتراف کنند؛ اعتراف کردند که ما تروریست هستیم، گفتند ما ترور کردیم. رسوایی از این بالاتر چه میشود؟ پاسخ قدرتمندانه‌ی سپاه هم درخور تدبیر است. این یوم‌الله تشییع جنازه و شهادت بزرگ شهید عزیز یک طرف قضیه است، عکس‌العمل و واکنش قدرتمندانه‌ی سپاه طرف



دیگر قضیه است، آن هم درخور تدبّر است، این ضربه‌ی به آمریکا بود. البته ضربه‌ی نظامی بود، ضربه‌ی مؤثر نظامی بود اما مهم‌تر و بالاتر از ضربه‌ی نظامی، ضربه‌ی حیثیتی بود، ضربه به هیبت ابرقدرتی آمریکا بود. (۱۲) آمریکا سالها است در سوریه، در عراق، در لبنان، در افغانستان ضربه میخورد، از دست قدرتمند مقاومت ضربه میخورد لکن این ضربه از همه‌ی آنها بالاتر بود؛ این ضربه، ضربه‌ی حیثیتی بود، ضربه به ابهت آمریکا بود؛ این ضربه با هیچ چیزی جبران نمیشود. حالا اعلام میکنند که ما تحریم کردیم، تحریمها را افزایش میدهند اما این کار نمیتواند آبروی ازدست‌رفته‌ی آمریکا را برگرداند. این پاسخ قدرتمندانه یک چنین خصوصیتی بود. این هم یک جلوه‌ی کمک الهی است که پاسخ مجاهدت مخلصانه است.

عزیزان من، برادران و خواهران نمازگزار! اخلاص برکت دارد. هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت میدهد، کار برکت پیدا میکند، رشد و نمو پیدا میکند، کار به نحوی میشود که اثر آن به همه میرسد، برکات آن در میان مردم باقی میماند. این ناشی از اخلاص است. نتیجه‌ی آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم، همین اشک و آه مردم، همین حضور مردم، همین تازه شدن روحیه‌ی انقلابی مردم است. اما اینکه ما بیاییم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا میکند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز- و به ابومهدی - شهید عزیز- به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیّت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نبینیم؛ بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم. اگر این جور شد، آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا میکند. البته همه‌ی نیروهای مسلح ما از ارتش، سپاه، بسیج زیربنای فکری‌شان هدفهای الهی است، بدون تردید. امروز در کشور ما مسئله این است. زیربنای فکری همه‌ی نیروهای مسلح ما، همین اهداف الهی و بلند است. سپاه قدس یک نیرویی است که با سعه‌ی صدر به همه جا و همه کس نگاه میکند. رزمندگان بدون مرز؛ رزمندگان بدون مرز. رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آنها در آنجا حضور پیدا میکنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ میکنند، خود را بلاگردان مقدّسات و حریمهای مقدّس میکنند. سپاه قدس را به این چشم نگاه نکنیم، آن وقت، همینها، همین کسانی که با جان خودشان، با همه‌ی توان خودشان به کمک ملت‌های دیگر و ضعیف‌ترین اطراف منطقه که در دسترس آنها است میروند، همینها سایه‌ی جنگ و ترور و تخریب را از کشور خودمان هم دور میکنند و دفع میکنند. میهن عزیز ما یک بخش مهمی از امنیتش محصول کار همین جوانان مؤمنی است که در زیر فرماندهی سردار شهید عزیزمان سالها کار کردند، تلاش کردند؛ اینها امنیت آورند، برای کشور هم اینها امنیت می‌آورند؛ بله، به کمک فلسطین و غزه و دیگر مناطقی که به وجود آنها نیاز هست میروند اما برای کشور خودمان امنیت ایجاد میکنند. آن دشمنی که آمریکا او را تجهیز کرده است، نه برای عراق و سوریه، بلکه در نهایت برای ایران، ایران عزیز؛ داعش را درست کردند، نه برای اینکه فقط در عراق مسلط بشود، هدف اصلی و نهایی ایران بود. آنها میخواستند از این طریق، امنیت ما را، مرزهای ما را، شهرهای ما را، خانواده‌های ما را دچار ناامنی و تشویش بکنند؛ اینها متوقف شدند به کمک همین جوانان مؤمن و عزیز که رفتند و این تلاش بزرگ را انجام دادند.

آن فریب‌خوردگانی که یک روزی فریاد زدند «نه غزه، نه لبنان»، آنها نه فقط جانشان را فدای ایران نکردند، حتی حاضر نشدند راحتی خودشان و منافع خودشان را هم در راه کشور فدا کنند؛ آن کسانی که جانش را فدای ایران



کردند باز همین شهید سلیمانی‌ها بودند؛ اینها بودند که در زمانی که نیاز به دفاع از کشور بود، جان خودشان را کف دست گرفتند و به میدان جنگ رفتند از کشور دفاع کردند، از ایران دفاع کردند؛ اینها هستند که میتوانند ادعا بکنند که دفاع میکنند از امنیت کشور، از امنیت ملت؛ همین فداکاری و اخلاص اینها است که در همه‌ی مراحل، این جور بوده. خوب، با این نگاه، ما میتوانیم ملت ایران را و معنویات ملت را و باطن ملت را کشف کنیم. این کسانی که به خیابان آمدند، میلیون‌ها انسانی که در تهران و در قم و در کرمان و در خوزستان و [دیگر شهرها] آمدند زیر جنازه‌ی این عزیزان راه رفتند، و کسانی که از دور دیدند و اشک ریختند، و کسانی که در شهرهای مختلف توانستند از دور برای اینها عزاداری بکنند - که واقعاً ده‌ها میلیون جمعیت ملت ما در این آزمون بزرگ شرکت کردند - میشود باطن اینها را، حقیقت اینها را تشخیص داد. ملت از هر جناح و حزب، از هر مجموعه، از هر قوم، از هر خصوصیت جغرافیایی، در این جهت مثل همداد؛ طرفدار انقلابند، طرفدار حاکمیت اسلامند، طرفدار ایستادگی در مقابل ظلمند، طرفدار «نه» گفتن به همه‌ی مطامع دولتهای استکباری و استعماری‌اند.

ملت ایران نشان داد که از خط مجاهدت شجاعانه دفاع میکند، ملت ایران نشان داد که به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد، ملت ایران نشان داد که طرفدار مقاومت است، طرفدار تسلیم نیست. آن کسانی که سعی میکنند چیز دیگری را از ملت بزرگ ما به مردم و به افکار بیگانگان یا افکار عمومی داخل نشان بدهند، با صدق و صفا با مردم رفتار نمیکنند؛ ملت این است، ملت طرفدار ایستادگی است، طرفدار مقاومت است، ملت طرفدار ایستادگی در مقابل زورگویی دشمنان است. این دلقکهای آمریکایی که بدروغ و با کمال رذالت میگویند که ما در کنار مردم ایرانیم، ببینند مردم ایران چه کسانی هستند. آن چند صد نفری که به عکس سردار شهید با افتخار ما اهانت میکنند، آنها مردم ایرانند یا این جمعیت میلیونی عظیمی که در خیابانها نشان میدهند خودشان را؟ (۱۳) سخنگویان دولت شریب آمریکا مدام تکرار میکنند که ما در کنار مردم ایرانیم. دروغ میگویید! اگر در کنار مردم ایران هم باشید برای این است که خنجر زهرآلود خود را به سینه‌ی مردم ایران فرو کنید. البته تا حالا نتوانسته‌اید، بعد از این هم حتماً نخواهید توانست هیچ غلطی بکنید. (۱۴) ملت ایران در این قضیه خود را نشان داد، باطن خود را نشان داد، قاعده و زیربنای فکری خود را ملت ایران نشان داد؛ احساسات صادقانه‌ی خود را ملت ایران نشان داد؛ این فریاد انتقامی که از مردم شنیده شد در سرتاسر کشور، در واقع این فریاد انتقام، سوخت حقیقی موشکهایی بود که پایگاه آمریکایی را زیر و رو کرد. (۱۵)

یک نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه کرد در اهمیت این یوم‌الله، این است که خدای متعال به موسی میفرماید که وَذَكَرْهُمْ يَا أُمَّةَ اللَّهِ؛ (۱۶) یعنی ایام‌الله باید در یاد مردم باقی بماند؛ یک عده‌ای سعی میکنند این یوم‌الله‌های حساس این روزها را به دست فراموشی بسپارند، مسائل دیگری را مطرح کنند، شاید بتوانند این یاد این یوم‌الله بزرگ را تحت الشعاع قرار بدهند. یکی همین قضیه‌ی تأسف انگیز حادثه‌ی سقوط هواپیما بود. خوب سقوط هواپیما حادثه‌ی تلخی بود؛ دل ما را به معنای حقیقی کلمه سوزانید. از دست دادن جوانهای عزیز، مردم خوبمان و کسانی که از کشورهای دیگر اینجا بودند، حادثه‌ی بسیار تلخی بود. در این هیچ شکی نیست؛ لکن یک عده‌ای به تبع و هدایت تلویزیون‌های آمریکایی و رادیوهای انگلیسی سعی کردند این قضیه را به نحوی آرایش بدهند که ماجرای یوم‌الله ناشی از شهادت بزرگ این دو شهید عزیز را به دست فراموشی بسپارند. سعی کردند کاری کنند که به خیال خودشان آن را به دست فراموشی بسپارند. افرادی که انسان هیچ علاقه‌ای در اینها نسبت به منافع ملی و نسبت به مصالح کشور احساس نمیکند؛ واقعاً انسان تعجب میکند. حالا یک عده‌ای جوانند، احساساتی‌اند، فریب میخورند؛ یک عده‌ای نه، جوان هم نیستند؛ انسان میبیند که اینها هیچ حاضر نیستند منافع ملی را درک کنند، فهم کنند، پای این



منافع بایستند. آنچه که دشمن مایل است از زبان اینها سر میزند، در عمل اینها خودش را ظاهر میکند. من میخواهم عرض بکنم همان اندازه‌ای که ما از این حادثه‌ی سقوط هواپیما غصه خوردیم و غم بر دل ما فرود آمد، دشمن ما از این حادثه به همان اندازه خوشحال شد؛ دشمن ما خوشحال شد؛ به خیال اینکه یک مستمسکی به دست آورده است که بتواند سپاه را زیر سؤال ببرد، نیروهای مسلح را زیر سؤال ببرد، نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرد. میخواستند این کار را بکنند، شاید بتوانند آن حادثه‌ی عظیم را تحت الشعاع قرار بدهند؛ اشتباه کردند. و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین؛ (۱۷) آنها مکر کردند، اما ندانستند که مکرشان در مقابل دست قدرت پروردگار هیچ تأثیری ندارد، و نمیتوانند این کار را بکنند. حادثه‌ی یوم‌الله تشییع جنازه‌ی شهید و حادثه‌ی یوم‌الله در هم کوبیدن پایگاه آمریکایی از ذهن این مردم نخواهد رفت و روزه‌روز ان شاءالله زنده‌تر خواهد شد.

من همین جا لازم است صمیمانه بار دیگر با اصحاب این مصیبت همدردی کنم - ما در غم آنها شریک هستیم - و تشکر کنم، از آن پدرمادهایی و صاحب‌عزاهایی که با وجود اینکه دل‌هایشان پر از درد و غم بود، در مقابل توطئه و وسوسه‌ی دشمن ایستادند، برخلاف آنچه که میل دشمنان بود موضع گرفتند و حرف زدند. مادر یکی از همین عزیزانی که در این هواپیما بودند به من نامه نوشته و اظهار کرده که «ما پای جمهوری اسلامی ایستاده‌ایم، پای انگیزه‌های شما ایستاده‌ایم». اینها شجاعت میخواهد، اینها فهم و بصیرت میخواهد و انسان واقعاً با همه‌ی وجود، در مقابل این جور شخصیت‌هایی احساس تکریم و تعظیم میکند.

این را هم عرض بکنیم، یکی از کارهای دیگری که برای تحت‌الشعاع قرار دادن این حوادث بزرگ انجام دادند، همین کاری است که این سه دولت اروپایی کردند؛ دولت خبیث انگلیس، دولت فرانسه، و دولت آلمان؛ تهدید ایران که ما مسئله‌ی هسته‌ای را بار دیگر به شورای امنیت میبریم؛ که البته مسئولین کشور خوشبختانه محکم پاسخ اینها را دادند، جواب محکم به اینها داده شد؛ این سه کشور همان سه کشوری هستند که در دوران جنگ تحمیلی به ما، تا توانستند، به صدام حسین کمک کردند؛ دولت آلمان، ابزار، وسایل شیمیایی و سلاح شیمیایی را در اختیار صدام حسین گذاشت که شهرها و جبهه‌ها را با آن سلاح هدف قرار بدهد، که هنوز آثارش در بین رزمندگان قدیمی ما وجود دارد؛ دولت فرانسه بالگردهای جنگی سوپر اتاندارد را برای زدن کشتی‌های نفتی ما در اختیار صدام حسین قرار داد؛ سوابق اینها این است؛ دولت انگلیس با همه‌ی وجود در خدمت دشمنان ما بود، در خدمت صدام بود. اینها این جوری‌اند، سوابقشان این است، امروز هم این جوری دارند عمل میکنند. به اینها به این چشم باید نگاه کرد. بنده از اوّل هم گفتم، بعد از خروج آمریکا از برجام که این سه دولت مدام حرف میزدند، مدام یاوه‌گویی میکردند، بنده همان روز هم گفتم من به اینها اعتمادی ندارم، اینها کاری نخواهند کرد، در خدمت آمریکا خواهند بود؛ امروز کاملاً واضح شده است، بعد از گذشت حدود یک سال معلوم شده است که اینها به معنای واقعی کلمه، پادو آمریکا هستند؛ اینها پادو آمریکا هستند. آن وقت این دولتهای حقیر در انتظار این هستند که ملت ایران را به زانو در بیاورند. آمریکا که بزرگ‌تر شما بود، پیشرو شما بود، ارباب شما بود، قادر نبود ملت ایران را به زانو در بیاورد؛ شما کوچک‌تر از آن هستید که بخواهید ملت ایران را به زانو در بیاورید. (۱۸) اینها مذاکره هم که میکنند، مذاکره‌شان آمیخته‌ی با دغل و فریب‌کاری است؛ این کسانی که پشت میز مذاکره ظاهر میشوند، آن جنتمن‌های پشت میز مذاکره، همان تروریست‌های فرودگاه بغداد هستند، اینها همانها هستند؛ تفاوتی نمیکند؛ لباس عوض میکنند؛ این دست چدنی است که پوشش مخملی و دستکش مخملی را بیرون می‌آورد و خودش را نشان میدهد، والا باطن، همان باطن است؛ هیچ تفاوتی ندارد. اینها نمیتوانند کسانی باشند که انسان به اینها اطمینان پیدا کند.



خب حالا که ملت ایران این حادثه را شناخت، قدر و قیمت آن را دانست؛ حالا باید چه کار کنیم؟ من در یک کلمه عرض میکنم: ملت عزیز ایران باید همتشان این باشد که قوی بشوند. (۱۹) تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم؛ ما از مذاکره هم ابائی نداریم؛ البته نه با آمریکا، با دیگران؛ اما نه از موضع ضعف، از موضع قوت، از موضع قدرت. ما بحمدالله دارای قدرتییم و به توفیق الهی قوی‌تر هم خواهیم شد. البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ قدرت، قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند؛ پشتوانه‌ی همه‌ی اینها هم حضور مردم عزیزمان در صحنه است. باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تنبلی؛ این اگر [محقق] شد، به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند. ... (۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَ الْعَصْرَ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ. (۲۱)

#### خطبه‌ی دوّم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و آله الطاهرين سيما على امير المؤمنين و حبيبتة الزهراء المرضية و الحسن و الحسين سيدي شباب اهل الجنة و على بن الحسين زين العابدين و محمد بن علي الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسى بن جعفر الكاظم و علي بن موسى الرضا و محمد بن علي الجواد و علي بن محمد الهادي و الحسن بن علي الزكي العسكري و الحجة بن الحسن القائم المهدي صلوات الله عليهم اجمعين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

مجدداً همه‌ی برادران و خواهران را توصیه میکنم تقوای الهی را در گفتار، در کردار، در رفتار، در معاشرت‌ها، در بُروز خَلَقِيَّات، در همه‌ی اینها تقوای الهی را در نظر داشته باشیم، رضای الهی را در نظر داشته باشیم. من دو مطلب کوتاه عرض میکنم، بعد یک مقداری خطاب به برادران عرب مطالبی را عرض خواهم کرد. دو مطلب کوتاه، یکی در مورد همین حادثه‌ی هواپیما است که مجدداً تسلیت عرض میکنیم، اظهار همدردی میکنیم. در این حادثه ابهامهایی وجود دارد. تشکر میکنیم از فرماندهان سپاه که توضیح دادند، برای مردم مطالبی را بیان کردند ولی باید حادثه پیگیری بشود و از حوادث مشابه هم باید به طور جدی پیگیری بشود. آنچه که مهم است، پیگیری مهم است اما مهم‌تر از پیگیری، پیگیری از تکرار این حوادث است.

مطلب دوّم راجع به انتخابات است. بنده راجع به انتخابات ان‌شاءالله صحبت خواهم کرد آنچه امروز عرض میکنم این است: برادران عزیز، خواهران عزیز، ملت عزیز ایران! حضور ملت ایران مهم‌ترین عامل اقتدار است و این حضور در جاهای متعددی است؛ یکی از مهم‌ترینش انتخابات است. در انتخابات حضور ملت ایران کشور را بیمه میکند، دشمن را مأیوس میکند. سعی و تلاش [دشمنان] بر این است که با انواع و اقسام حیل نگذارند که مردم با شوق در انتخابات



شرکت کنند. من عرض میکنم: مردم با شوق و ذوق باید در انتخابات شرکت کنند. حالا مسائل گوناگونی درباره‌ی انتخابات، تذکراتی هست که ان شاء الله در آینده اگر زنده بودیم عرض خواهم کرد. آنچه که امروز خواستم عرض بکنم اصل این قضیه است؛ مراقبت کنید که مبادا دشمن بتواند در این زمینه خواسته‌ی خودش را؛ که عبارت است از کم‌رنگ کردن و بی‌رونق کردن انتخابات تحقق ببخشد.

## خطبه‌ی عربی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وصحبه المنتجبين.

أودّ في هذه البرهة الحساسة من تاريخ هذه المنطقة أن يكون لى معكم أيها الإخوة العرب مختصر من الحديث.

في هذه الأيام استشهد قائد إيراني كبير وشجاع ومجاهد عراقي طافح بروح التضحية والإخلاص بأذرع عسكرية أمريكية وبأمر الرئيس الإرهابي الأمريكي. هذه الجريمة لم ترتكب في ميدان المواجهة، بل جرت بصورة جبانة لئيمة.

القائد سليمانى كان ذلك الرجل الذى يقتحم الخطوط الأمامية ويقاوم بشجاعة نادرة فى أخطر المواقع، وكان العامل الفاعل فى دحر عناصر داعش الإرهابية ونظائرها فى سورية والعراق.

الأمريكيون لم يجرأوا أن يواجهوه فى ساحات القتال فعمدوا إلى الهجوم عليه بنذالة من الجو حين كان بدعوة من حكومة العراق فى مطار بغداد وأراقوا دمّه الطاهر هو ورفاقه، و بذلك امتزج دم أبناء إيران والعراق مرة أخرى فى سبيل الله سبحانه و تعالى.

الحرس الإيراني ذكّ بضربة مقابلة أولية صاروخية القاعدة الأمريكية وسحق أئمة وغطسة تلك الدولة الظالمة المتكبرة ويبقى جزاؤها الأساسى وهو خروجها من المنطقة.

الشعب الإيراني فى مسيرات بعشرات الملايين شيعوا الشهداء فى مختلف المدن بتوديع منقطع النظير، والشعب العراقى فى مدن عديدة شيعوهم بفائق التكريم والاحترام، كما أعربت شعوب فى بلدان متعددة عن مواساتها فى اجتماعات صاخبة.

إنّ مساعى مغرصة هائلة بذلت لخلق نظرة سلبية بين الشعبين الإيراني والعراقى. لقد أنفقت أموال ضخمة وجنّد أفراداً يشعرون بالمسؤولية فى إيران ضدّ الشعب العراقى، والساحة العراقية شهدت ضحاً إعلامياً شيطانياً ضدّ الشعب الإيراني، غير أنّ هذه الشهادة الكبرى قد أحبطت كلّ هذه المساعى الشيطانية والوساوس الخبيثة.

ما أريد أن أقوله لكم هو أنّ القدرة الإسلامية.. قدرتنا وقدرتكم تستطيع أن تتغلّب على ما تحيط القوى المادية نفسها به من هيبه ظاهرية خادعة. القوى الغربية بالاعتماد على العلم والتقانة، وبالسلح العسكرى، والإعلام الكاذب





والأساليب السياسية الماكرة استطاعت أن تهيمن على بلدان المنطقة، وامتى ما اضطرت إلى الجلاء من بلد على إثر نهضة شعبية، فإنها لا تكف قدر ما تستطيع عن التآمر والاختراق التجسسى والسيطرة السياسية والاقتصادية، وزرعت الغدة السرطانية الصهيونية في قلب بلدان غرب آسيا وعمدت إلى وضع بلدان المنطقه في تهديد مستمر.

بعد انتصار الثورة الإسلامية في إيران نزلت بالكيان الصهيوني ضربات شديدة سياسية وعسكرية، وأعقب ذلك سلسلة من الهزائم للاستكبار وعلى رأسه أمريكا من العراق وسوريا ومروراً بغزة ولبنان وحتى اليمن وأفغانستان.

إعلام العدو يتهم إيران بإثارة حروب بالنيابة، وهذه فرية كبرى، فشعوب المنطقة قد استيقظت، وقدرة إيران في مقاومتها الطويلة أمام حُب أمريكا قد تركت أثرها في الجو العام للمنطقة وفي معنويات الشعوب. مصير المنطقة يتوقف على التحرر من الهيمنة الاسكبارية الأمريكية وتحرير فلسطين من سيطرة الصهاينة الأجانب.

كل الشعوب تتحمل مسؤولية الوصول إلى تحقيق هذا الهدف. على العالم الإسلامي أن يزيل عوامل التفرقة. وحدة علماء الدين قادرة على أن تكتشف أسلوب الحياة الإسلامية الجديدة. وتعاون جامعاتنا من شأنه أن يرتقى بالعلم والتقانة، وبذلك تستطيع أن تضع أساس الحضارة الجديدة. والتنسيق بين وسائل إعلامنا بإمكانه أن يصلح جذور الثقافة العامة. والتلاحم بين قوانا العسكرية سيبعث المنطقة كلها من الحروب والعدوان. والارتباط بين أسواقنا سيحرر اقتصاد بلداننا من سيطرة الشركات الناهبة. وتبادل الزيارات بين شعوبنا سيقرب القلوب والأفكار، ويخلق روح الوحدة والمودة بينها. أعداؤنا وأعداؤكم يريدون أن يحققوا تقدمهم الاقتصادي على حساب ثروات بلداننا، وأن يبنوا عزتهم على حساب دُل شعوبنا، ويسجلوا تفوقهم بثمن تفرقنا. يريدون إبادتنا على أيدينا. أمريكا تستهدف أن تجعل فلسطين دونما قدرة على الدفاع أمام الصهاينة الظالمين المجرمين، وأن تجعل سوريا ولبنان تحت سيطرة الحكومات التابعة لها والعميلة، وتريد العراق وثرواته النفطية بأجمعها ملكاً لها. ولتحقيق هذا الهدف المشؤوم لا تتوانى عن ارتكاب الظلم والعدوان. الامتحان العسير الذين مرت به سوريا والفتن المتواليه في لبنان، والأعمال الاستفزازية والتخريبية المستمرة في العراق نماذج لذلك.

الاجتيال الصريح لأبل مهدى القائد الشجاع للحشد الشعبى وقائد الحرس الكبير سليمانى نماذج نادرة لهذه الفتن فى العراق. هؤلاء يريدون أن يحققوا أهدافهم الخبيثة فى العراق عن طريق إثارة الفتن والحروب الداخلية وبالتالى تقسيم العراق وحذف القوى المؤمنة والمناضلة والمجاهدة الوطنية.

وكنموذج لوقاحتهم فإنهم إذ يلوّحون بأنهم حماة الديمقراطية يصرّحون بكل وقاحة وصلافة، بعد أن صادق برلمان العراق على إخراجهم، أنهم جاءوا إلى العراق ليقبوا فيه ولن يغادروه.

العالم الإسلامى لا بد أن يفتح صفحة جديدة. الضمائر اليقظة والقلوب المؤمنة يجب أن تحيى الثقة بالنفس فى الشعوب، وعلى الجميع أن يعلموا أن طريق نجات الشعوب هو فى التدبير والاستقامة وعدم الرهبة من العدو.

أسأل الله سبحانه وتعالى أن يشمل الشعوب المسلمة برحمته ونصرته إنه تعالى سميع مجيب.

أقول قولى هذا واستغفر الله لى ولكم، و السلام عليكم ورحمة الله. ( ٢٢ )



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ \* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ. ( ۲۳ )

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

- (۱) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۵؛ «و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن ...»
- (۲) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۵؛ «... که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرتهاست.»
- (۳) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۶
- (۴) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۷
- (۵) سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۸
- (۶) تکبیر حضار
- (۷) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... اندوه مدار که خدا با ما است. ...»
- (۸) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «س... اندوه مدار که خدا با ماست ...»
- (۹) سوره‌ی شعراء، بخشی از آیه‌ی ۶۱؛ «... ما قطعاً گرفتار خواهیم شد ...»
- (۱۰) سوره‌ی شعراء، بخشی از آیه‌ی ۶۲؛ «... چنین نیست، زیرا پروردگارم با من است و بزودی مرا راهنمایی خواهد کرد.»
- (۱۱) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... خدا با ما است ...»
- (۱۲) تکبیر حضار
- (۱۳) شعار حضار
- (۱۴) شعار حضار
- (۱۵) تکبیر حضار
- (۱۶) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۵؛ «... روزهای خدا را به آنان یادآوری کن ...»
- (۱۷) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۵۴؛ «و [دشمنان] مکر ورزیدند، و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است.»
- (۱۸) تکبیر حضار
- (۱۹) تکبیر حضار
- (۲۰) تکبیر حضار
- (۲۱) سوره‌ی عصر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان  
سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]،  
که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛  
مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»
- (۲۲) بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين.

مایلم در این برهه‌ی حساس از تاریخ این منطقه، سخن کوتاهی با شما برادران عرب داشته باشم. در این روزها یک سردار بزرگ و شجاع ایرانی و یک مجاهد فداکار و با اخلاص عراقی به دست نظامیان مزدور آمریکایی و به دستور



رئیس تروریست آمریکا به شهادت رسیدند. این جنایت به صورت کاملاً بزدلانه و نه در میدان روبه‌رو، انجام گرفت. سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنی در صفوف مقدّم و در خطرناک‌ترین جایگاه‌ها حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید و او یکی از مؤثرترین عوامل در شکست عناصر تروریست داعش و اشباحش در سوریه و عراق بود. آمریکایی‌ها بدون اینکه جرئت کنند با وی در نبرد روبه‌رو شوند، بزدلانه با هواپیما به او که به دعوت دولت عراق در فرودگاه بغداد بود، حمله کردند و خون مطهر او و همراهانش را بر زمین ریختند. برای چندمین بار خون فرزندان ایران و عراق مخلوط شد و در راه خدا بر زمین ریخته شد.

سپاه ایران ضربه‌ی متقابلی علی‌العجاله زد و پایگاه آمریکایی را با موشک‌های خود درهم کوبید و ابهت و آبروی آن دولت ظالم و متکبر را لگدمال کرد و تنبیه اصلی او اخراج از منطقه است. ملت ایران با اجتماع ده‌ها میلیونی این دو مجاهد بزرگ بدرقه‌ای بی‌نظیر کردند. ملت عراق در شهرهای متعدّد با تکریم و احترام تمام آنها را تشییع کرد و در چندین کشور دیگر مردم همدردی خود را در اجتماعات پرشور نشان دادند.

تلاش‌های مغرضانه‌ی فراوانی شد تا ملت ایران و عراق را به یکدیگر بدبین کنند، پول‌های فراوانی خرج کردند، انسان‌های بی‌مسئولیّتی را به کار گرفتند، در ایران علیه ملت عراق و در عراق علیه ملت ایران تبلیغات شیطنت‌آمیز کردند؛ این شهادت بزرگ همه‌ی این تلاش‌های شیطانی و وسوسه‌های اهریمنی را باطل کرد.

آنچه مایلیم به شما بگویم این است که قدرت اسلامی، قدرت ما و شما، میتواند بر هیبت ظاهری قدرتهای فاسد مادی فائق آید. قدرتهای غربی با پشتوانه‌ی علم و فتاوری و با سلاح نظامی و تبلیغات دروغین و با سیاستهای مکارانه توانستند بر کشورهای این منطقه مسلط شوند و هرگاه با نهضتی مردمی ناچار به خروج از کشوری شدند تا آنجا که توانستند دست از توطئه و نفوذ اطلاعاتی و سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی بر نداشتند و غده‌ی بدخیم رژیم صهیونیستی را در قلب کشورهای غرب آسیا جاسازی کردند و تهدیدی دائمی برای کشورهای آن منطقه تدارک دیدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ضربه‌های سیاسی و نظامی سختی بر رژیم غاصب پدید آمد و پس از آن، زنجیره‌ی شکست‌های استکبار و در رأس آن آمریکا از عراق و سوریه تا غزه و لبنان و از یمن تا افغانستان تشکیل گردید. رسانه‌های دشمن، ایران را متهم به جنگ‌های نیابتی میکنند؛ این دروغ بزرگی است. ملت‌های منطقه بیدار شده‌اند. توانایی ایران در مقاومت بلندمدت در برابر خباثت‌های آمریکا تأثیر خود را در فضای عمومی منطقه و روحیه‌ی ملت‌ها گذاشته است. سرنوشت منطقه، نجات از سلطه‌ی استکباری آمریکا و رهایی فلسطین از حاکمیت بیگانگان صهیونیست است.

همت ملّتها باید زمان رسیدن به این مقصود را نزدیک کند. جهان اسلام باید عوامل تفرقه را بزداید. وحدت علمای دین، راه‌حل‌های اسلامی برای سبک زندگی نوین اسلامی را کشف میکند. همکاری دانشگاه‌های ما علم و فتاوری را ارتقا بخشیده، زیربناهای تمدن جدید را خواهد ساخت. هماهنگی رسانه‌های ما فرهنگ عمومی را از ریشه اصلاح خواهد کرد. ارتباط نیروهای مسلح ما جنگ و تجاوز را از همه‌ی منطقه دور خواهد کرد. ارتباط بازارهای ما، اقتصاد کشورهایمان را از سلطه‌ی کمپانی‌های غارتگر بیرون خواهد آورد. رفت و آمدها و سفرهای مردم ما، هم‌زمانی و همدلی وحدت و دوستی به ارمغان خواهد آورد. دشمنان شما و ما می‌خواهند اقتصاد خود را با منابع کشورهای ما، عزت خود را با ذلت ملّتهای ما، و صدرنشینی خود را با تفرقه‌ی ما تأمین کنند. می‌خواهند ما و شما را به دست خودمان نابود کنند.

آمریکا، فلسطین را بی‌دفاع در برابر صهیونیست‌های بی‌رحم و جنایتکار، سوریه و لبنان را در تصرف دولتهای وابسته و مزدور خود، عراق و ثروت نفتی آن را یکسره متعلق به خود می‌خواهد. برای این هدف‌های شوم، از بزرگ‌ترین ظلم‌ها و شرارت‌ها رویگردان نیست. آزمون سخت چندساله‌ی سوریه، فتنه‌های پی‌در پی در لبنان، تحریکات و خرابکاری مستمر



در عراق نمونه‌هایی از آن هستند.

ترور صریح شهید ابومهدی فرمانده شجاع حشد الشّعبی و شهید سلیمانی سردار بزرگ سپاه، نمونه‌ی کم‌نظیری از این فتنه‌انگیزی در عراق است. آنها هدف پلید خود در عراق را می‌خواهند از راه ایجاد فتنه و جنگ داخلی و سرانجام تجزیه‌ی عراق و حذف نیروهای مؤمن و مبارز و مجاهد و میهن‌دوست تأمین کنند. نمونه‌ی وقاحت آنان این است که پس از حکم پارلمان عراق به اخراج آنان، آنها که خود را حامی دموکراسی وانمود می‌کردند، تعارف را کنار گذاشته و می‌گویند ما برای ماندن در عراق آمده‌ایم و نمی‌رویم.

دنیای اسلام باید صفحه‌ی جدیدی بگشاید. وجدانهای بیدار و دل‌های مؤمن باید اعتماد به نقس را در ملت‌ها بیدار کنند. و همه بدانند که تنها راه نجات ملت‌ها تدبیر و استقامت و نترسیدن از دشمن است. خداوند رحمت و نصرت خود را بر ملت‌های مسلمان شامل فرماید.

(۲۳) سوره‌ی کوثر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. ما تو را [چشمه‌ی] کوثر دادیم. پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. دشمنت خود بی‌تبار خواهد بود.»